

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه بررسی امکان و عدم امکان اخذ قصد قربت در متعلق امر

بیان شد که مشهور بین اصولیون، استحاله اخذ قصد قربت به معنای قصد امتثال امر، در متعلق آن می باشد و برای اثبات استحاله، به وجوه مختلفی تمسک نموده اند. دلیل دومی که بعضی از آنها در تقریر کلام محقق خراسانی «رحمة الله علیه» آورده اند، لزوم تکلیف به غیر مقدور می باشد که در جلسه قبل تقریب آن گذشت. همچنین بیان شد که محقق خویی «رحمة الله علیه»، از این دلیل و به تعبیری از این محذور پاسخ داده و در این رابطه مسأله انحلال امر به دو امر ضمنی را مطرح نموده اند.

نقد پاسخ محقق خویی «رحمة الله علیه»

پاسخ مذکور، از جهات مختلفی مورد نقد می باشد:

اولاً: پاسخ مذکور مبنایی می باشد، یعنی این مطلب که آیا اوامر متعلق به مرکبات، قابل انحلال به اوامر متعدّد نسبت به اجزاء و شرایط می باشند و یا آنکه قابل انحلال نیستند؟ مطلبی اختلافی بوده و ظاهراً محقق خراسانی «رحمة الله علیه» که دلیل دوم را طرح نموده و آن را سندی برای استحاله اخذ قصد قربت در متعلق امر قرار داده اند، قائل به قابلیت انحلال امر به اوامر متعدّد به حسب اجزاء و شرایط نبوده و بر همین اساس، مدّعی استحاله اخذ قصد قربت به معنای قصد امتثال امر در موضوع و متعلق آن شده اند. شاهد این مطلب آن است که ایشان در خلال مباحث خود می فرمایند: «یکون تعلّقه بکلّ بعین تعلّقه بالکلّ»^۱.

ثانیاً: بر فرض پذیرش انحلال، باید ملتزم به آن شویم که اوامری مثل «صلّ» که به مرکبات تعلّق گرفته اند، به اوامر ضمنیّه متعدّدی به لحاظ اجزاء و شرایط منحلّ شوند، نه آنکه طبق مدّعی شما تنها به دو امر ضمنی منحلّ شوند. در این صورت انحلال امر به اوامر ضمنیّه متعدّد به حسب اجزاء و شرایط از دو حال خارج نیست:

یا مراد تبدیل امر متعلق به مرکبی مثل صلاة، به اوامر متعدّده ای است که هر کدام از آنها، مستقلاًّ به هر یک از اجزاء و شرایط تعلّق گرفته و محرّک عبد به انجام آن جزء و یا شرط می باشند. به عنوان مثال اگر صلاة مرکّب از ده جزء و شرط باشد، امر صلّ به ده امر متعدّد که هر کدام عبد را به جزئی از اجزاء یا شرطی از شرایط فرا می خواند، تبدیل شده است. لکن این خلاف وجدان و مستلزم تعدّد وجوب بوده و تعدّد ثواب و عقاب را در پی خواهد داشت که خود شما هم ملتزم به آن نیستید؛

و یا مراد تبدیل امر متعلق به مرکبی مثل صلاة، به اوامر متعدّدی است که هر کدام از آنها، با قید در ضمن سایر اجزاء و شرایط بودن، به هر یک از اجزاء و شرایط تعلّق گرفته است. به عنوان مثال امر به رکوع، به قید وجود آن در ضمن اجزاء و شرایط

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی دیگر، به رکوع تعلّق گرفته است و همچنین امر به قصد امتثال امر نیز به قید وجود آن در ضمن اجزاء و شرایط دیگر، لحاظ شده است. در این صورت باید خود این امر صلّ که امری استقلالی است، ضمناً به قصد امتثال امر در ضمن سایر اجزاء و شرایط، تعلّق گرفته باشد. آنگاه نقل کلام می کنیم به این قصد امتثال امر و می گوئیم مراد از امر در قصد امتثال امر که یکی از اجزاء متعلّق امر استقلالی صلّ می باشد، کدام امر است؟ اگر مراد همین امر استقلالی صلّ باشد، محذور داعویّه و محرّکیّه الشیء الی نفسه لازم می آید، و اگر مراد امر استقلالی دیگری غیر از آن باشد، اولاً فرض آن است که امر استقلالی دیگری وجود ندارد و ثانیاً فرض امر استقلالی دیگر، موجب اثبات مأمور به جداگانه ای است که کسی در باب تعبدیّات، ملتزم به آن نشده است.

ثالثاً: طبق تحلیل مذکور، در امر عبادی مثل «صلّ» که به عمل مرکّب از اجزاء و شرایط تعلّق گرفته، سه امر تصویر می شود: یکی امر استقلالی که متعلّق آن، مجموع عمل مرکّب از اجزاء و شرایطی است که قصد امتثال امر هم جزء یا شرط آن می باشد، دیگری امر انحلالی ضمنی که متعلّق آن، ذات فعل می باشد، یعنی تمام اجزاء و شرایط به جز قصد امتثال امر لحاظ شده اند و سوّم امر انحلالی ضمنی که متعلّق آن، قصد امتثال امر متعلّق به ذات فعل، یعنی امر ضمنی اوّل می باشد و در همین راستا ادّعا نمودید که امر ضمنی دوّم، داعی و محرّک مکلف بر امتثال امر ضمنی اوّل یعنی امر متعلّق به ذات فعل می باشد. لکن این ادّعا نیز پذیرفته نیست. چون متعلّق امر ضمنی اوّل، ذات الفعل یعنی مجموعه اجزاء و شرایط بدون قصد قربت می باشد و این متعلّق با این کیفیت و خصوصیت، یقیناً برخوردار از مصلحت نیست تا انجام آن باعث تحصیل ثواب و دفع عقاب و حصول تقرب و مانند آنها شود، و الا خلف لازم می آید^۲ و با این وجود، امر ضمنی دوّم نمی تواند محرّک مکلف بر انجام متعلّق امر اوّل و امتثال آن شود. بله در متعلّق امر استقلالی که به مجموعه اجزاء و شرایطی تعلّق گرفته است که شامل قصد قربت یعنی قصد امتثال امر نیز می باشد، مصلحت وجود دارد و انجام آن باعث تحصیل ثواب و تقرب می گردد، لکن این اشکال وجود دارد که اگر ادّعا شود امر ضمنی دوّم، محرّک و داعی مکلف بر انجام متعلّق امر استقلالی می شود، با توجه به اینکه قصد امتثال امر هم جزئی از متعلّق آن امر استقلالی را تشکیل می دهد، لازم می آید امر ضمنی دوّم علاوه بر ذات فعل، داعی و محرّک مکلف بر قصد امتثال امر نیز باشد و این یعنی همان داعویّه الشیء الی نفسه است که محال می باشد.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

۲ - زیرا اگر امر اوّل، بدون لحاظ قصد قربت برخوردار از مصلحت باشد، دیگر جایی برای نزاع در مورد کیفیت اخذ قصد قربت و طرح مسائلی مثل انحلال باقی نمی ماند.